**حقیقت شب قدر**

**سید سعید لواسانى‏**

«قدر» در لغت به معناى اندازه و اندازه‏گیرى است.(1) «تقدیر» نیز به معناى اندازه‏گیرى و تعیین است.(2) اما معناى اصطلاحى «قدر»، عبارت است از ویژگى هستى و وجود هر چیز و چگونگى آفرینش آن‏(3) به عبارت دیگر، اندازه و محدوده وجودى هر چیز، «قدر» نام دارد.(4(

بنابر دیدگاه حكمت الهى، در نظام آفرینش، هر چیزى اندازه‏اى خاص دارد و هیچ چیزى بى‏حساب و كتاب نیست. جهان حساب و كتاب دارد و بر اساس نظم ریاضى تنظیم شده، گذشته، حال و آینده آن با هم ارتباط دارند.

استاد مطهرى در تعریف قدر مى‏فرماید: «... قدر به معناى اندازه و تعیین است... حوادث جهان... از آن جهت كه حدود و اندازه و موقعیت مكانى و زمانى آنها تعیین شده است، مقدور به تقدیر الهى است»(5). پس در یك كلام، «قدر» به معناى ویژگى‏هاى طبیعى و جسمانى چیزهاست كه شامل شكل حدود، طول، عرض و موقعیت‏هاى مكانى و زمانى آنها مى‏گردد و تمام موجودات مادى و طبیعى را در بر مى‏گیرد.

این معنا از روایات استفاده مى‏شود؛ چنان كه در روایتى از امام رضا(ع) پرسیده شد: معناى قدر چیست؟ امام(ع) فرمود: «تقدیر الشى‏ء، طوله و عرضه»؛ «اندازه‏گیرى هر چیز اعم از طول و عرض آن است»(6) و در روایت دیگر، این امام بزرگوار در معناى قدر فرمود: «اندازه هر چیز اعم از طول وعرض و بقاى آن است».(7(

بنابراین، معناى تقدیر الهى این است كه در جهان مادى، آفریده‏ها از حیث هستى و آثار و و یژگى‏هایشان محدوده‏اى خاص دارند. این محدوده با امورى خاص مرتبط است؛ امورى كه علت‏ها و شرایط آنها هستند و به دلیل اختلاف علل و شرایط، هستى، آثار و ویژگى‏هاى موجودات مادى نیز متفاوت است. هر موجود مادى به وسیله قالب‏هایى از داخل و خارج، اندازه‏گیرى و قالب‏گیرى مى‏شود. این قالب، حدود، یعنى طول، عرض، شكل، رنگ، موقعیت مكانى و زمانى و سایر عوارض و ویژگى‏هاى مادى آن به شمار مى‏آید. پس معناى تقدیر الهى در موجودات مادى، یعنى هدایت آنها به سوى مسیر هستى‏شان است كه براى آنها مقدر گردیده است و در آن قالب‏گیرى شده‏اند.(8(

اما تعبیر فلسفى قدر، اصل علیت است. «اصل علیت همان پیوند ضرورى و قطعى حوادث با یكدیگر و این كه هر حادثه‏اى تحتّم و قطعیت ضرورى و قطعى خود و نیز تقدّر و خصوصیات وجودى خود را از امرى یا امورى مقدم بر خود گرفته است.(9) اصل علیت عمومى و نظام اسباب و مسببات بر جهان و جمیع وقایع و حوادث جهان حكم‏فرماست و هر حادثى، ضرورت و قطعیت وجود خود و نیز شكل و خصوصیت زمانى و مكانى و سایر خصوصیات وجودى‏اش را از علل متقدمه خود كسب كرده است و یك پیوند ناگسستى میان گذشته و حال و استقبال میان هر موجودى و علل متقدمه او هست».(10(

اما علل موجودات مادى تركیبى، فاعل و ماده و شرایط و عدم مانع است كه هر یك تأثیر خاص بر آن دارند و مجموع این تأثیرها، قالب وجودى خاصى را شكل مى‏دهند. اگر تمام این علل و شرایط و عدم مانع، كنار هم گرد آیند، علت تامه ساخته مى‏شود و معلول خود را ضرورت و وجود مى‏دهد كه از آن در متون دینى به «قضاى الهى» تعبیر مى‏شود. اما هر موجودى با توجه به علل و شرایط خود قالبى خاص دارد كه عوارض و ویژگى‏هاى وجودى‏اش را مى‏سازد و در متون دینى از آن به «قدر الهى» تعبیر مى‏شود.

با روشن شدن معناى قدر، امكان فهم حقیقت شب قدر نیز میسر مى‏شود. شب قدر شبى است كه همه مقدرات تقدیر مى‏گردد و قالب معین و اندازه خاص هر پدیده، روشن و اندازه‏گیرى مى‏شود.

به عبارت روشن‏تر، شب قدر یكى از شب‏هاى دهه آخر ماه رمضان است. طبق روایات ما، یكى از شب‏هاى نوزدهم یا بیست و یكم و به احتمال زیادتر، بیست و سوم ماه مبارك رمضان، است.(11) در این شب - كه شب نزول قرآن به شمار مى‏آید - امور خیر و شر مردم و ولادت، مرگ، روزى، حج، طاعت، گناه و خلاصه هر حادثه‏اى كه در طول سال واقع مى‏شود، تقدیر مى‏گردد.(12) شب قدر همیشه و هر سال تكرار مى‏شود. عبادت در آن شب، فضیلت فراوان دارد و در نیكویى سرنوشت یك ساله بسیار مؤثر است(13) در این شب تمام حوادث سال آینده به امام هر زمان ارائه مى‏شود و وى از سرنوشت خود و دیگران با خبر مى‏گردد. امام باقر(ع) مى‏فرماید: «انه ینزل فى لیلة القدر الى ولى الامر تفسیر الامور سنةً سنةً، یؤمر فى امر نفسه بكذا و كذا و فى امر الناس بكذا و كذا؛ در شب قدر به‏ولى امر(امام هر زمان) تفسیر كارها و حوادث نازل مى‏شود و وى درباره خویش و دیگر مردمان مأمور به دستورهایى مى‏شود».(14(

پس شب قدر شبى است كه:

1- قرآن در آن نازل شده است.

2- حوادث سال آینده در آن تقدیر مى‏شود.

3- این حوادث بر امام زمان - روحى فداه - عرضه و آن حضرت مامور به كارهایى مى‏گردد.

بنابراین، مى‏توان گفت شب قدر، شب تقدیر و شب اندازه‏گیرى و شب تعیین حوادث جهان ماده است.

این مطلب مطابق آیات قرآنى نیز مى‏باشد؛ زیرا در آیه 185 سوره مباركه «بقره» مى‏فرماید: «شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ»؛ ماه رمضان كه در آن قرآن‏ نازل شده است». طبق این آیه، نزول قرآن(نزول دفعى) در ماه رمضان بوده است. و در آیات 3 - 5 سوره مباركه دخان مى‏فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِینَ فِیها یُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِیمٍ أَمْراً مِنْ عِنْدِنا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِینَ» این آیه نیز تصریح دارد كه نزول [دفعى‏] قرآن در یك شب بوده است كه از آن به شب مبارك تعبیر شده است. همچنین در سوره مباركه قدر تصریح شده است كه قرآن در شب قدر نازل شده است.

پس با جمع آیات سه گانه بالا روشن مى‏شود:

1- قرآن در ماه رمضان نازل شده است.

2- قرآن در شبى مبارك از شب‏هاى ماه مبارك رمضان نازل شده است.

3- این شب، در قرآن شب قدر نام دارد.

4- ویژگى خاص این شب بر حسب آیات سوره مباركه «دخان» دو امر است:

الف. نزول قرآن.

ب. هر امر حكیمى در آن شب مبارك جدا مى‏گردد.

اما سوره مباركه قدر كه به منزله شرح و تفسیر آیات سوره مباركه «دخان» است، شش ویژگى براى شب قدر مى‏شمارد:

الف. شب نزول قرآن است(إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ.)

ب. این شب، شبى ناشناخته است و این ناشناختگى به دلیل عظمت آن شب است(وَ ما أَدْراكَ ما لَیْلَةُ الْقَدْرِ.)

ج. شب قدر از هزار ماه بهتر است.(لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.)

د. در این شب مبارك، ملائكه و روح با اجازه پروردگار عالمیان نازل مى‏شوند(تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ) و روایات تصریح دارند كه آنها بر قلب امام هر زمان نازل مى‏شوند.

ه. این نزول براى تحقق هر امرى است كه در سوره «دخان» بدان اشاره رفت(مِنْ كُلِّ أَمْرٍ) و این نزول - كه مساوى با رحمت خاصه الهى‏بر مومنان شب زنده دار است - تا طلوع فجر ادامه دارد (سَلامٌ هِیَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ.)

و. شب قدر، شب تقدیر و اندازه‏گیرى است؛ زیرا در این سوره - كه تنها پنج آیه دارد - سه بار «لیلة القدر» تكرار شده است و این نشانه اهتمام ویژه قرآن به مسئله اندازه‏گیرى در آن شب خاص است.

مرحوم كلینى در كافى از امام باقر(ع) نقل مى‏كند كه آن حضرت در جواب معناى آیه«إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَةٍ مُبارَكَةٍ» فرمودند: «آرى شب قدر، شبى است كه همه ساله در ماه رمضان و در دهه آخر آن، تجدید مى‏شود. شبى كه قرآن جز در آن شب نازل نشده و آن شبى است كه خداى تعالى درباره‏اش فرموده است: «فیها یفرق كل امر حكیم؛ در آن شب هر، امرى با حكمت، متعین و ممتاز مى‏گردد». آن گاه فرمود: «در شب قدر، هر حادثه‏اى كه باید در طول آن سال واقع گردد، تقدیر مى‏شود؛ خیر و شر، طاعت و معصیت و فرزندى كه قرار است متولد شود یا اجلى كه قرار است فرارسد یا رزقى كه قرار است برسد و...».(15(

**پى‏نوشت:**

1. قاموس قرآن، سید على اكبر قرشى، ج‏5، ص 246 و 247

2. همان، ص 248.

3. المیزان، سید محمد حسین طباطبایى، ج‏12 ص 150 و 151.

4. همان، ج‏19، ص 101.

5. انسان و سرنوشت، شهید مطهرى، ص 52.

6. المحاسن البرقى، ج‏1، ص 244.

7. بحار الانوار، ج‏5، ص 122.

8. المیزان، ج‏19، ص 101 - 103

9. انسان و سرنوشت، ص 53

10. همان، ص 55 و 56

11. اقبال الاعمال، سید بن طاووس، تحقیق و تصحیح جواد قیومى اصفهانى، ج‏1، ص 312 و 313 و 374 و 375

12. الكافى، كلینى، ج‏4، ص 157

13. المراقبات، ملكى تبریزى، ص، 237 - 252

14. الكافى، ج‏1، ص 248

15. المیزان فى تفسیر القرآن ج: 20 ص: 382؛ بحث روایى ذیل سوره مباركه قدر.